زندگی سلام
ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
سه‌شنبه • ۷ اسفند ۱۳۹۷
۲۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۶ فوریه ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۴۷
۱۲۷۰

مروری بر خاطرات شیرین و مشترک بیشتر مردم با مادرهای دوست داشتنی‌شان

ترفندهای دوست داشتنی مادرها

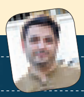

سیدمصطفی صابری | روزنامه‌نگار

پرونده

در هر داستانی یک قهرمان داریم، کسی که هرچند گاهی اشتباه می کند اما فداکار است، دیگران را به خودش ترجیح می‌دهد و در لحظه لحظه زندگی‌اش هدف‌های بزرگی دارد که برای رسیدن به آن‌ها مبارزه می کند. قهرمان داستان زندگی ما «مادر» است. کسی که تمام هدف‌های زندگی‌اش را فدای خوشبختی دیگران می کند. کسی که دیوانه‌وار دوستش داریم و عاشق همه کارهایش هستیم، عاشق مهربانی‌اش، عاشق حرص و جوش خوردن‌های جالبش، عاشق استفاده پراشتباهش از فناوری‌هایی مثل گوشی‌های هوشمند و خیلی چیزهای دیگر. امروز می‌خواهیم به مناسبت روز مادر با این گوهر دردانه زندگی، شوخی کنیم و خاطرات مشترک نسل‌های مختلف را از رفتارهای مادرانه مرور کنیم. راستی حتماً سری به مادرتان بزنید و بعد از این که دستش را بوسیدید، خاطره خودتان را از بین این خاطرات پیدا کنید و برایش بخوانید و بخندید تا روحش تازه شود.

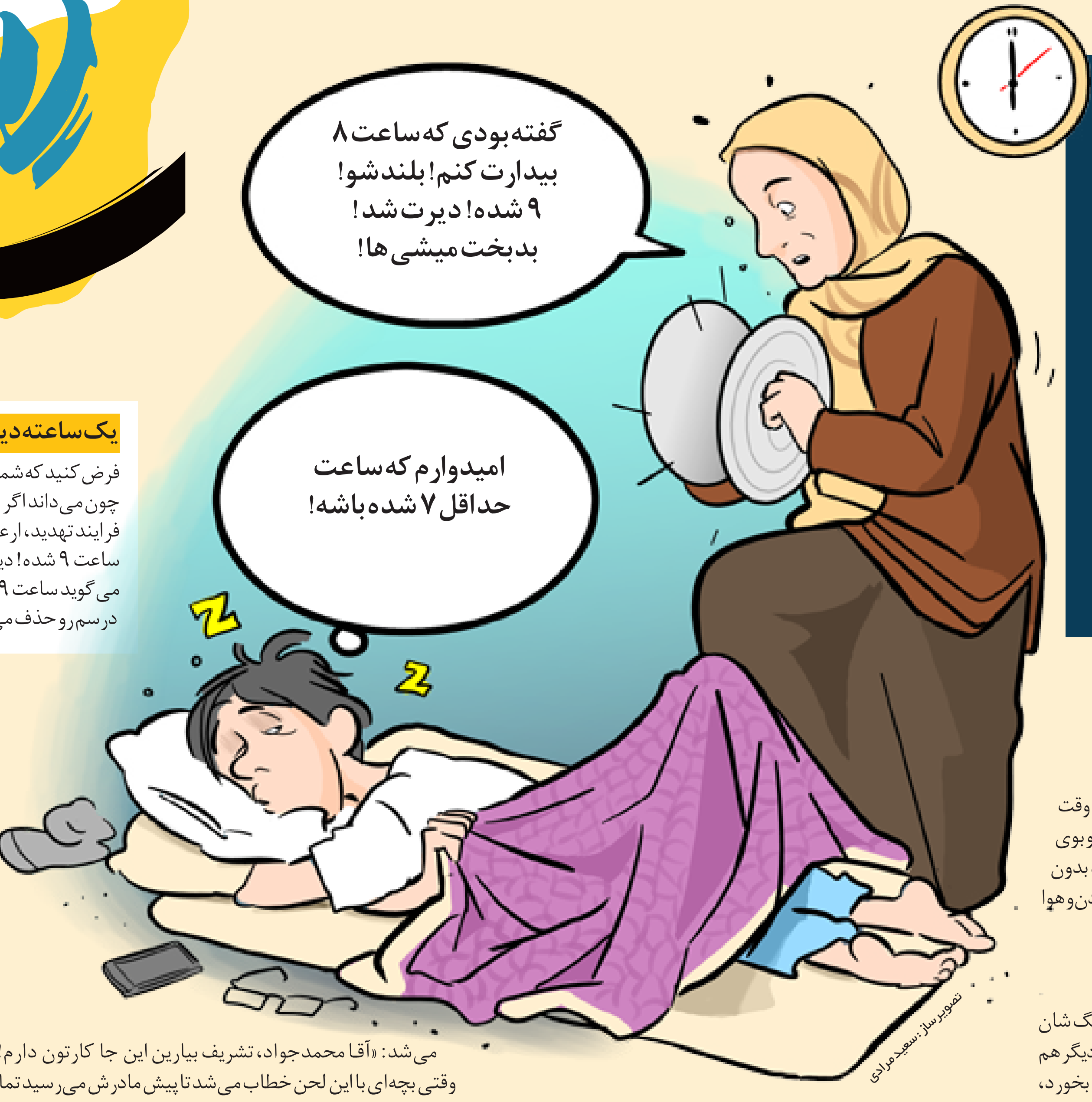
گفته بودی که ساعت ۸ بیدارت کنم! بلند شو! ۹ شده! دیرت شد! بدبخت میشی ها!
امیدوارم که ساعت حداقل ۷ شده باشه!
Z
Z

تصویرساز: سعید مرادی

یک ساعته دیرت شده

فرض کنید که شما به مادرتان بگویید که می خواهید هشت صبح بیدار شوید. مادر چون می‌داند اگر از ساعت هشت بیدارتان کند، در نهایت ۹ هم بیدار نمی‌شوید، فرایند تهدید، ارعاب و هشدار را از ساعت هفت صبح شروع می کند: «بلندشو!! ساعت ۹ شده! دیرت شد! بدبخت میشی ها!» و چون شما می دانید وقتی مادر می گوید ساعت ۹ شده پس قطعاً هشت هم نشده، پس می گویید: «اصلاً من این درس رو حذف می کنم.»

من که سیرم، شما بخورین!

فقط مامان‌ها می‌توانند وقتی غذا کم است ناگهان سیر شوند. هیچ‌وقت دانشمندان کشف نکردند چطور یک مادر که از صبح پای غذاست و بوی آن را استشمام می کند و حتماً بارها آب دهانش را قورت می دهد بدون خوردن، سیر می‌شود. مادر است دیگر با حرص خوردن، غصه خوردن و هوا خوردن هم سیر می‌شود تا دیگران واقعاً سیر شوند.

بخور جون بگیری، رنگت پریده!

از نظر ۹۹ درصد مادرها ۹۹ درصد بچه‌ها در ۹۹ درصد مواقع رنگ شان پریده است و باید یک چیزی بخورند تا جون بگیرند. آن یک درصد دیگر هم که معتقد نیستند رنگ بچه شان پریده است و لازم نیست چیزی بخورد، دلیل رفتارشان این است که معتقدند رنگ بچه‌شان خیلی خیلی پریده است و حتماً باید به دکتر مراجعه کند. از نظر مادرها، بچه‌ها در خانه خودشان میوه و تنقلات ندارند و همین که پای‌شان را در خانه پدری گذاشتند باید چپ و راست ویتامین بدن‌شان تامین شود تا برای یک هفته انرژی داشته باشند.

چرا تلفنت رو جواب نمیدی؟

از لحظه‌ای که یک مادر با فرزندش تماس می گیرد و فرزند جواب نمی دهد، این پیش بینی ها در ذهن مادر شکل می گیرد. ثانیه ۵: بچه ام رو گاز گرفته! ثانیه ۶: شوهرش خفه‌اش کرده! ثانیه ۷: گودزیلا بهشون حمله کرده! ثانیه ۸: شاید فضایی‌ها یا زامبی‌ها یا وایت‌واکرها به محله‌شون حمله کردن! ثانیه ۹: بچه تلفن را برمی‌دارد. ثانیه ۱۰: خفه بشی، دلم هزار راه رفت! چرا تلفنت رو برنمی‌داری؟ تقصیره باباته یه بار محکم نزد تو گوش شوهرت! و....

نخود رو بذارین برای باباتون!

چند نسل قبل‌تر همه چیزهای خوب برای پدرها بود اما چند وقتی، معادلات تغییر کرده است و مادرها بیشتر هوای بچه‌ها را دارند. بر فرض محال که با این قیمت گوشت در خانه‌ای آبگوشت طبخ شود! بچه خانواده: مامان برای من نخود نریزین! مادر: نخود میاد تو ملاقه دیگه! خودت جدا کن بریز تو بشقاب بابات، گوشت‌های اون رو بردار خودت بخور!

حالا ناهار چی بپزم؟

مامان‌ها سر سفره صبحانه معمولاً می‌پرسند: «حالا ناهار رو چی کارش کنم؟» موقع ناهار هم همین سوال را درباره شام می‌پرسند اما هیچ فرقی نمی کند بقیه اعضای خانواده چه جوابی بدهند چون مادران گرامی در نهایت متناسب با چیزی که در خانه است، یک حرکت خلاقانه می‌زنند. انصافاً هم با این گرانی ها کار مادرها سخت شده، الان فقط می‌شود «نان شکم‌پر» درست کرد که داخلش با پنیر یا در حالت لاکچری تخم مرغ پر شده است.

تفریح و گردش و کار بیشتر

مادر بزرگ من اصلاً به غذای بیرون اعتقادی نداشت، غذای خانگی را هم فقط و فقط داغ و تازه دوست داشت. وقتی قرار بود یک تفریح خانوادگی برویم برای هشت بچه خودش که هر کدام سه، چهار بچه داشتند کلی ساندویچ برای صبحانه درست می کرد و تا لقمه‌ای را که تدارک دیده بود نمی خورد، اجازه بازی به ما نمی داد. بعد هم وسط پارک یا هر جایی که نشسته بودیم، بساط گاز و پیک نیک آماده راه می انداخت و غذا درست می کرد. تا شعاع چند کیلومتری محل استقرار ما باید خانم‌های بارداری که بوی غذا به مشام شان رسیده بود از غذای ما می خوردند. بعد هم ظرف‌ها را در همان پارک می‌شست. خلاصه این که تفریح و سرگرمی برایش به معنای کار بیشتر بود.

آقا محمدجواد بیا این جا!

قدیم در هر خانه‌ای چهار، پنج تا بچه بود، پدرها عادت داشتند وقتی می‌خواستند بچه‌ای را صدا بزنند اسم همه بچه‌ها را به‌ترتیب می گفتند تا بالاخره یکی درست از کار دربیاید و اسم بچه مدنظر باشد اما برخلاف پدرها، مادرها اشتباهی در گفتن اسامی نداشتند، با این تفاوت که وقتی خوشحال بودند، فحش می‌دادند و وقتی ناراحت بودند با احترام صحبت می کردند. فرض کنید بچه یک نقاشی خوشگل می کشید مادر می گفت: «واااى، پدرسوخته، تو این غلطارو از کجا یاد گرفتی؟!» اما وقتی بچه خرابکاری می کرد، لحن مادر جدی و رسمی می‌شد: «آقا محمدجواد، تشریف بیارین این جا کارتون دارم!» وقتی بچه‌ای با این لحن خطاب می‌شد تا پیش مادرش می‌رسید تمام خلاف‌هایش را یک دور مرور می کرد.

حالا بذار بابات بیاد

مادرها استاد خلق موقعیت‌های هیچکاکی با گفتن چنین دیالوگ هایی هستند: حالا بذار بریم خونه! یا حالا بذار مهمونا برن! و از همه مهم‌تر: حالا بذار بابات بیاد! اصولاً اتحاد تاکتیکی پدر و مادرها برای تربیت ما پشت صحنه داشت، به طور معمول پدرها سخت گیری آن چنانی نداشتند و از این که ما شیطنت کردیم، ظرفی شکستیم یا دست گلی به آب دادیم، خبر داشتند اما مادرها ترجیح می‌دادند ماجرا را رمز کنند تا به نتایج دیپلماتیک لازم برسند.

اون قدر که میکرو و آتاری روزدی به تلویزیون!

مادرها گاهی استدلال‌های عجیبی دارند، به‌طور مثال یک مدت گفته می‌شد؛ میکرو و آتاری برای لامپ تصویر تلویزیون ضرر دارد، بعد کیفیت تلویزیون که پایین می‌آمد همه می گفتند اون قدر که باهاش آتاری بازی کردید! اما گاهی کار به جایی می‌رسید که سریال زود تمام‌می‌شد اما پدر و مادر می گفتند: «این قدر که با این تلویزیون وامونده میکرو بازی کردی! دیدی چی شد؟ دختره به خواستگاری پسره جواب رد داد!» یا فرض کنید شما سیر دوست ندارید یا شلغم نمی خورید و همزمان استاد امتحان معادلات دیفرانسیل را سخت برگزار می کند. کافی است مادرتان بفهمد، می گوید: «حالا هی بگو سیر و شلغم دوست ندارم، دیدی امتحانت رو خراب کردی؟ بچه های مردم شلغم می‌خورن که باهوشن. تقصیر باباته شهریه دانشگاهت رو میده.»

درمان قطع عضو با دمنوش!

مادربزرگ‌ها حتی برای دست و پای قطع شده هم دمنوش تجویز می کنند. در مواردی هم چای نبات اما مادرهای جوان‌تر معمولاً هر بیماری را با سوپ درمان می کنند. یعنی چون شما مریض شدید مادرتان به پدرتان می گوید: «حال این بچه خوب نیست. سر راهت براش از رستوران سوپ بگیر. حالا که تا اون جا میری برای منم جوجه با استخون بگیر. بگو آب دار برداره. زودباش که بچه تلف شد.»

دست نزن، مال مهمونه!

یکی دیگر از ویژگی های مشترک مادرها، به‌خصوص مادران عزیز میان سال این است که چیزهای خوب را برای روز مبادایی که ممکن است مهمان ناخوانده‌ای برسد در منزل مخفی می کنند. توی کمد لباس هر مادری، وسط جعبه کفش و کاور لباس، شما می توانید مقادیر زیادی گز، سوهان و آجیل پیدا کنید که ممکن است تاریخ مصرف گذشته هم باشند اما شیک و مجلسی هستند.

پس انداز داشتن در هر شرایطی

مادرها به یک منبع شگفت انگیز پس انداز وصل هستند که می‌توانند همزمان گرفتاری پدر را رفع کنند، برای یک تازه‌عروس با کمک بقیه جهیزیه درست کنند و به بچه‌ها هم پول بدهند. جالب این جاست که به پدر می گویند: «بیا این پول رو بگیر اما بچه‌ها نفهمن، چون توقع دارن به اون‌ها هم پول بدم.» بعدش به بچه‌ها پول می‌دهند و می گویند: «بیا این پول رو بگیر اما بابات نفهمه، دستش خالیه توقع داره به اونم قرض بدم.» کلاً پس انداز مادرها با خون جگر جمع می‌شود و از صندوق ذخیره ارزی هم بیشتر می‌شود اما معمولاً خرج خودشان نمی‌شود.

ریزه کاری‌های مادرانه

مادرها همه بچه‌ها را به یک اندازه دوست دارند و بین بچه‌ها فرق نمی گذارند به جز برخی موارد استثنا که بچه «ته‌تُغاری» باشد، شبیه عمه‌اش نباشد، مامانی باشد، چشم رنگی، موبور و خارجی طور باشد، شر نباشد و ۷۳ آیتم دیگر که در مجموع می شود ۹۸ درصد مواقع. مادرها به بچه‌ها سخت نمی گیرند به جز وقتی مهمان قرار است بیاید، مهمان آمده، مهمان تازه رفته و همه خسته‌اند یا خانواده قرار است به مهمانی برود یا رفته یا برگشته! از همه مهم‌تر مامان‌ها نظر بچه‌ها را موقع خرید لباس و کفش می‌پرسند فقط به رنگ، مدل و نوعش اعتنایی نمی کنند، همین طور اندازه‌اش چون لباس باید بزرگ باشد که زود برای بچه تنگ نشود.

مادرهای عزیز با شما شوخی کردیم تا روز عید، کام‌مان شیرین شود، قله قلب ما همیشه و همه جا فقط و فقط در تسخیر شماست، لطفاً به باباها نگویید تا دلشان نشکند.

جدول سخت [شماره ۵۵۴]

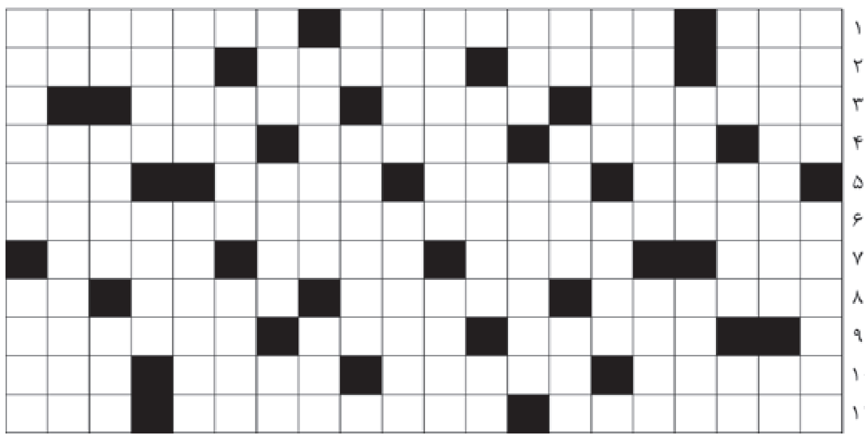

طراح جدول: بیژن گورانی

افقی:

۱ – اجازه – هماوری – علم بررسی خواص مختلف آب های کره زمین ۲ – هشتادمین سوره قرآن کریم – بلند مرتبه – سرشار – فهم و شعور ۳ – ایالتی در جنوب چین – متعفن و گندیده – مدرسه بزرگ سالان ۴ – کتابی پر تیراژ با موضوع زنان و جنگ نوشته سیده اعظم حسینی – گذاشتن – کاری که به طور معمول و مکرر انجام می‌شود – نظریه ۵ – سبز تیره – آسان – الزام – از علویان مبارز که در کوفه ضد حکومت بنی امیه قیام کرد ۶ – از مقربان دربار ناصر الدین شاه و معروف به اعتماد السلطنه و مولف منتظم ناصری ۷ – بسیار زیاد – فیلمی ساخته استیون اسپیلبرگ – مربوط به دین – خبر دادن ۸ – قابلیت خم و راست شدن – میوه تابستانی – پهنه وسیع آبی – جواب سر بالا ۹ – جشن ازدواج – زیرین – بیماری عفونی التهاب پرده مغز ۱۰ – اژدها – آزمون – پاکدامنی – دورویی ۱۱ – بی نظم و قاعده – پرنده ای با نوک باریک و دم بلند – دور ... درنگ ندارد شتاب کن

عمودی:

۱ – دور از انتظار – با یکدیگر بحث کردن ۲ – کنیه امام علی (ع) – نیم صدای دراز گوش ۳ – ریسمان – همگی – ناپسند ۴ – معادل فارسی تیتر – خوراک ۵ – نوعی همخوانی آهنگین قرآن و دعا – خرگوش عرب ۶ – خودروی باربری کوچک – شاعره نامی یونان باستان ۷ – تکرار حرف بیست و ششم – نوزاد – واحدی برای اندازه گیری زمان ۸ – بیهوده – بسیار مقرراتی و منضبط ۹ – نمایش نامه ای درباره شهادت حضرت رقیه (س) نوشته علی موذنی – دوستی ۱۰ – میزبان المپیک ۱۹۵۶ – سرزنش کننده ۱۱ – پابرجا بودن – وسیله ای برای سنجش ارتفاع صوت ۱۲ – میان – صندوق بین المللی برای کمک به کودکان ۱۳ – تغار بزرگ سفالی – بازی ۱۴ – جیوه – همراه وعده – نت چهارم ۱۵ – سخنوران – داستان بلند ۱۶ – شماره استاندارد بین المللی کتاب – جدایی ناپذیر ۱۷ – کمیابی – خرامنده ۱۸ – مخفف اگر – برجستگی مارپیچ داخل سوراخ مهره – عمیق ۱۹ – نیم ساعت – سال مار از دوره دوازده ساله ترکی ۲۰ – لجباز – دشنام گو

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۱	خ	ا	ن	ه	ا	م	ا	ب	ر	ی	ا	س	ت	■	س	ی	ن	د	خ	ت
۲	ل	ی	ب	ر	و	ی	ل	■	خ	ا	ت	م	ک	ا	ر	ی	■	ز	ی	ر
۳	ع	ز	ا	■	ر	م	ا	ن	س	■	ش	ر	ا	ع	■	ل	ت	ی	ا	ن
۴	ت	و	ت	ی	ا	■	ن	ج	ا	ر	■	ا	ف	س	ت	■	ف	ر	م	ا
۵	■	م	ی	ر	ز	ا	■	م	ر	ی	ض	■	و	ا	ب	س	ت	ه	■	د
۶	ا	ر	■	م	ا	ی	ل	■	ه	و	ر	ا	■	ر	ا	و	ی	■	ا	و
۷	ه	■	د	ل	ن	و	ا	ز	■	ف	ی	ب	ر	■	ه	م	د	ا	ن	■
۸	م	ت	ر	و	■	ا	م	ر	ا	■	ح	ر	ک	ت	■	ا	ه	ت	د	ا
۹	م	ی	ا	ن	ه	■	س	و	ن	ش	■	ا	ب	ا	ن	ت	■	ب	ا	ب
۱۰	ت	ه	م	■	ج	و	ه	ر	س	ر	ک	ه	■	ک	ا	ر	ل	ا	ی	ل
۱۱	ر	و	د	خ	ا	ن	■	ق	ا	ف	ل	ه	س	ا	ل	ا	ر	ع	ش	ق

حل جدول شماره ۵۵۳

جدول متوسط [شماره ۷۳۴۳]

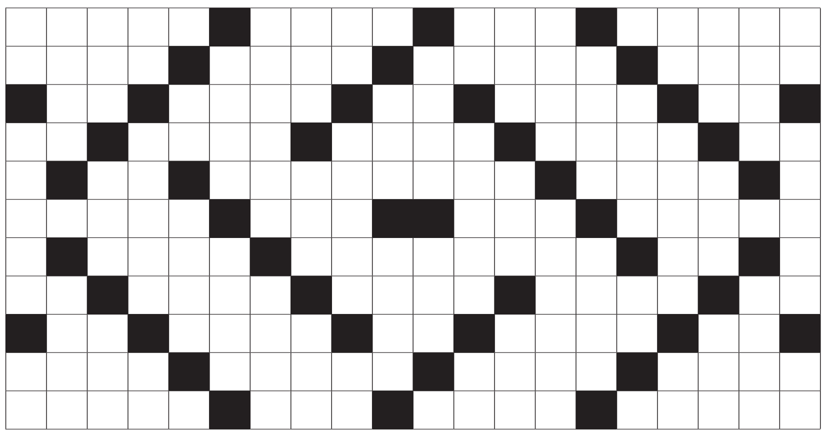

طراح جدول: مجید شادروج

افقی:

۱ – سهولت – خویشاوندی – خانم – معشوق ۲ – شقه – جنین – ایوان – جعبه خارجی ۳ – واحد سطح – همنشین – هدف فوتبالی – اطلاع دهنده – دشنام ۴ – ناپدید – سودمند – میانجی – هوس زن – باردار – خاک صنعتی ۵ – هم آورد – کاروان شادی – سودای ناله ۶ – میراب – نوعی آچار – رها – سفینه ماه نشین ۷ – برگ برنده – بازیگر فیلم سینمایی شور شیرین – ذخیره ۸ – دریا – جوانمردی – زوبین – جوهردان – درخت زبان گنجشک ۹ – خرس فلکی – ماهر – قدم یک پا – شهرها – بینش ۱۰ – پرنده ای وحشی و حلال گوشت، با پاهای بلند، گردنِ دراز و دُم کوتاه – نابود – ایزد – مَتاع ۱۱ – سنگدلی – تکیه گاه – آقا – از پیست های اسکی ایران

عمودی:

۱ – لحظه – ارجمند – مرگ از غصه ۲ – تایلند سابق – آموزگار ۳ – فرمان – آزرم – عمارت ۴ – عدد منفی – تشریفات – آب روستایی ۵ – شیپور – چهره ۶ – رج – نغمه ۷ – مژده – تکریم ۸ – نقره – سبزی پیچیده – بشقاب بزرگ ۹ – حرف همراهی – طرد کردن – هرگز عرب ۱۰ – نقش و تصویر – رود مصر ۱۱ – شیر – ناچیز ۱۲ – گوشت ترکی – عشیره – سرما ۱۳ – لطیف – سرپرست – فساد ۱۴ – معترض – واحد پول اتازونی ۱۵ – شارب – جاری ۱۶ – راه بی پایان – وارسته ۱۷ – مایه حیات – گزارش خارجی – چه وقت ۱۸ – آخرین سوره قرآن مجید – وسنی – رمز ۱۹ – بزرگ تر – حاکم ۲۰ – دور دهان – درجه ای در ارتش – از برونته ها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۱	ح	ر	ج	■	ن	ا	و	■	د	ا	ل	■	ت	ج	د	ی	د	ن	ظ	ر
۲	ک	ب	ا	ر	■	م	ا	ه	■	ا	و	ل	■	ن	ی	و	■	ک	ف	ن
۳	م	ا	د	ا	م	■	ر	ا	ی	■	ن	ی	ر	■	ن	ا	ر	■	ر	د
۴	ر	■	ه	ف	ت	ه	■	ر	ق	ت	■	ی	ا	ر	■	ش	ا	م	■	ه
۵	ا	ک	■	ت	ک	ا	ن	■	ه	ا	ر	م	و	ن	ی	■	س	ا	ر	■
۶	ن	ی	ز	■	ا	و	ا	ن	■	و	ز	■	ی	د	ک	ی	■	ل	ا	ف
۷	■	م	و	ز	■	ن	ف	ت	ا	ل	ی	ن	■	ی	ا	س	ا	■	ک	ر
۸	ش	■	م	ی	ت	■	ع	ا	ر	■	ن	ق	د	■	ن	ا	ر	و	■	ک
۹	ا	س	■	ب	ر	ن	■	ج	س	ر	■	ب	و	م	■	ر	ا	س	ت	ا
۱۰	م	ر	ز	■	ا	ی	ل	■	ی	و	ش	■	ر	ا	د	■	ک	ی	ا	ن
۱۱	خ	ب	ر	گ	ز	ا	ر	ی	■	م	م	ر	■	د	ک	ه	■	ع	ک	س

حل جدول شماره ۷۳۴۲